فضیلت قضای مطلق صوم در یوم الشک و حمل مقیدات بر مراتب افضلیت

روایت اول در فصل بعدی هم کاملاً با این موافق است. روایتی است که چند بار از آن صحبت شد و الآن در مقام جمع آن هستیم.

> **عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر عليه السلام في الرجل يصوم اليوم الذي يشك فيه من رمضان، فقال: عليه قضاؤه وإن كان كذلك**
>
> **[1]**

ولو ماه مبارک است، باید قضا کند. خب الآن روایت قبلی در یوم الشک که فرقی نکرد. کل ماه را با تطوع گرفته بود، حضرت فرمودند کل آن مجزی است. این یک روز یوم الشک را گرفته، اطلاق روایت، قصد تطوع از شعبان را هم می‌گیرد. حضرت می‌فرمایند «علیه قضائه».

ببینید در «علیه قضائه» ما سه دسته روایت داریم. در بیشتر بودن آن‌ها هم مشکلی نیست. من فعلاً این سه تا را عرض می‌کنم تا بحث زودتر جلو برود. یکی این روایت است که مطلق است. مطلق است یعنی حضرت فرمودند «علیه قضائه و ان کان کذلک». به چه نیتی گرفته است؟ آخر شعبان؟ «علیه قضائه»، معلوم شد که ماه مبارک بود و او نیت ماه شعبان کرده بود، تمام. به نیت رمضان گرفته است؟ «علیه قضائه». گفته «ان کان و ان کان»، علیه قضائه. یعنی این روایت مطلق است. می‌گویید اگر روزه گرفته‌ای فایده‌ای ندارد. چون ماه مبارک روشن نبود. اطلاقی به این صورت دارد.

شاگرد: اگر «من» متعلق به «یشک» باشد، مطلق است. نه «یصوم من رمضان».

استاد: بله، آن خلاف ظاهر است. من فعلاً روی استظهاری که «من» متعلق به «یشک» باشد، عرض می‌کنم. طبق این اطلاقی که علی المبنی است، مطلق است. روایات دیگر در آن طرف بود؛ درست مقابل این بود. همین که این روز را روزه گرفتی، وقت له. البته این روایات هم اطلاق داشت. نمی‌گفت چه نیتی کرده‌ای. بلکه مطلقاً می‌گفتند که مجزی است. «وقت له». این هم دو طرف آن است. یک مفصّل بود. می‌گفت که چه نیتی کرده‌ای. مفصّل، صریحاً در روایات نبود. تعبیر «یعنی» بود که از هشام بود یا از شیخ الطائفه بود یا از ابن ابی عمیر بود. رضوان الله علیهم. این «یعنی» از اینها بود. تقریباً صدور آن از امام علیه‌السلام احتمالاً مرجوح بود. قبلاً این را عرض کردم. ولی احتمالش صفر نبود. ولی مرجوح بود.

خب آن روایت مفصّل به نیت برگردانده بود. «یصوم علی انه من شعبان» درست است. پس اطلاق روایت ابن مسلم که الآن می‌خوانیم نسبت به تفصیل، حمل می‌شود بر این‌که «صام علی انه من شهر رمضان». این یک جمع روشنی است که تا به حال همه می‌دانیم و مشهور هم به این صورت جمع کرده‌اند.

> 44:45

نکته‌ای که می‌خواهم بگویم این است: ببینید ما در فضای فقه یک مبنا را می‌گیریم و لوازم آن را بار می‌کنیم. فرض می‌گیریم که روایت ابن مسلم که امام علیه‌السلام فرمودند «علیه قضائه»، بنابر این‌که متعلق به «یشک» باشد و اطلاق هم داشته باشد، فرض می‌گیریم که می‌خواهیم حفاظ بر این اطلاق داشته باشیم؛ به این قید نزنیم که اگر نیت رمضان کرده باشد، علیه قضائه. نه، حفاظ بر اطلاق داشته باشیم و جلو برویم. و درعین‌حال با سائر ادله هم جمع بکنیم. اگر بخواهیم حفاظ بر اطلاق داشته باشیم و سائر ادله را هم در نظر بگیریم، ضوابط کلاسیک فقهی اقتضاء چه چیزی را دارد؟ فضیلت. یعنی «علیه قضائه» به نحو افضلیت. روایتی که می‌گوید «وفق له» یعنی مجزی است. فعلاً بنابر حفاظ این‌گونه می‌گوییم. خب بنابر اطلاقش چه می‌شود؟ اطلاقش می‌گوید اگر روزه گرفتی علی ای حال قضاء کن. چطور قضاء کن؟ بنابر این‌که افضل این است که قضاء کنی. خب آن جایی که شما به نیت شعبان گرفته‌ای و با آن جایی که به نیت ماه مبارک گرفته‌ای و حال این‌که سوم الشک بود، این روایت نسبت به هر دو اطلاق دارد اما آیا این روایت می‌گوید که آن‌ها هم در افضلیت برابر هستند؟ یا نه؟ نمی‌گوید که در افضلیت برابر هستند. یعنی این روایت با حفاظ بر اطلاقش که آن را حمل بر افضلیت می‌کنید، باز مجال این را دارید که بگویید امام علیه‌السلام که فرمودند «علیه قضاؤه»، خود «علیه» بنابر افضلیت مراتب دارد. اگر قصد کرده «علی انه من شهر رمضان»، «علیه قضائه» به افضلیت خیلی بالا. یعنی این افضلیت خیلی زور دارد. اما اگر «صام علی انه من شعبان»، این‌جا هم خوب است که اعاده کند. اما نه به درجه افضلیت دیگری.

ببینید تاب آن را عرض می‌کنم. منافاتی ندارد که افضلیت مستفاد از این اطلاق را در سائر روایات، ناظر بگیرید به مراتبی از افضلیت. البته با نگاه به سائر ادله. بنابراین مثل مرحوم جواهری و آسید عبد الاعلی فرموده بودند حتی اگر «بنیه علی انه من رمضان» باشد، صحیح است. طبق نظر آن‌ها این روایت طبق مبنای اطلاق می‌گوید روزه تو درست است، ولی افضل این است که «علیه قضائه» بنابر این افضلیت که اشدّ از آن جایی است که قصد او شعبان باشد. کما این‌که بگوید ان کان و ان کان. باز افضلیت او بالاتر از این است که علی انه من شعبان گرفته باشد. چرا؟ چون در «ان کان و ان کان» بین فقها اختلاف بود. محقق اول فرمودند که این قبول نیست و باید قضا کند. ولی درجایی‌که روشنی قصد شعبان می‌کرد، دیگر اجزاء آن مورد اجماع بود. خب وقتی بین فقها اختلاف می‌شود، افضلیت قضاء به ارتکاز شما در کجا می‌آید؟ درجایی‌که مختلفٌ‌فیه است، قضائش افضل است، تا آن جایی که متفق علیه است.

بنابراین روایت ابن مسلم حتی بنابر افضلیت، حتی مورد اجماع را هم می‌گیرد و منافاتی با اجماع ندارد. اجماع بود که اگر قصد شعبان کردی، مجزی است. خب مانعی ندارد. این روایت می‌گوید اجماع هست که مجزی است. من می‌گویم افضل، قضاء است. اما افضلیتی که دون فروض دیگر است.

حالا افضلیت در قضاء به چه معنا است؟ همانی است که توضیحش را عرض کردم. امتثال عقیب الامتثال مواردی دارد که محقق است و خداوند متعال آن‌ها را خواسته است. در این‌جا هم امام علیه‌السلام روی این مبنای افضلیت می‌گویند ولو شما قصد ماه شعبان هم کردید، اما به‌خاطر خود همین ماه مبارک و آن چیزهایی که در علم تو به شهر دخیل است و تفصیل مأمورٌ‌به و تخلی از آن حال احتیاط، افضل این است که قضاء کنی. منافاتی با اجماع و اجزاء هم ندارد.

خب اگر «علیه القضاء» را به این صورت معنا کردیم و به روایات اجزاء برگشتیم، در اینجا ما به چه چیزی موا‌جه می‌شویم؟ با اینکه به اطلاق روایت عمل می‌کنیم. هیچ کجا دست از این اطلاق بر نمی‌داریم. و این اطلاقی که به آن عمل کردیم، بنابر این مبنا به ترغیبات شارع در احتیاط یوم الشک، صدمه نمی‌زند. چرا؟ به‌خاطر اینکه ترغیبات شارع به یوم الشک می‌گوید شما اصل اجزاء را بیاورید. واقعاً ماه مبارک را درک کنید، این امر مطلوبی است. چه بسا تا آخر ماه مبارک زنده نماند. ای زنده ماند ولی فرصت نکرد که قضا کند. پس اصل ترغیبات شارع به اینکه یوم الشک را روزه بگیرید و سر جایش مجزی است، این روایت به آنها صدمه نمی‌زند. در مقام نگاه جامع به هر دو. این روایت می‌گوید یک سلسله روایات از ما اهل البیت هست که می‌گوید احتیاط بکن، دنبالش برو، شاید ماه مبارک شده باشد، خب چرا روایت ابن مسلم می‌گوید «علیه قضائه»؟ می‌گوید من کاری با آنها ندارم، آنها جای خودش است. من چیزی دیگری می‌گویم. می‌گویم وقتی مأمور به را می‌آوری، مواردی هست که می‌توانی چند فرد از مأمور به را به پیشگاه الهی بیاوری. من به تو می‌گویم که در این وقتها تمکن از یک فرد اکمل از یوم الشک را داری.

---

[1] همان ۱۳

بازبینی #1
ایجاد شده 18 مه 2026 15:55:27 توسط ... .
به روزرسانی شده 18 مه 2026 15:56:27 توسط ... .